

معناشناسی زیادت در دو آیه متشابه لفظی (۲۳ بقره و ۳۸ یونس) قرآن و بررسی ترجمه آنها

چکیده

معناشناسی آیات متشابه لفظی، یکی از مهم ترین محورهای پژوهش قرآن است. در قرآن آیاتی هستند که از الفاظ و تعابیر یکسانی برخوردارند؛ اما در ساختار کلام با اندکی تفاوت، دو یا چند بار تکرار شده اند. این تفاوت ها در تذکیر و تأنیث، تقدیم و تأخیر، حذف و اضافه، مفرد و جمع، فواصل آیات و معرفه و نکره است که هریک می تواند در عرصه پژوهش مورد توجه قرار گیرد. در این پژوهش هدف، بررسی زیادت در آیات متشابه لفظی است که با روش توصیفی - تحلیلی، ابتدا با استفاده از قواعد واژه شناسی و فرهنگ لغات به معنای واژه یا حروف اضافی در آیه دست یافته، سپس با در نظر گرفتن علم معناشناسی به اطلاعات پردازش شده توسط قرآن در سیاق روی می آورد، تا مفهوم سازی موقعیت هر آیه با آن تعبیر اضافی روشن شود؛ سپس نتیجه این مفهوم سازی را با معادل های ترجمه در انواع روش های ترجمه ای مترجمان: مکارم شیرازی، دهلوی، خرمدل، الهی قمشه ای تطبیق داده می شود، در این پژوهش چهار ترجمه براساس روش ترجمه معنایی، تحت اللفظی، تفسیری و آزاد انتخاب شده است. نتیجه این پژوهش بیانگر آن است که زیادت در آیات متشابه دارای حکمت های مختلفی است؛ مانند رعایت سیاق، تفاوت مخاطب و ارائه نکته و معنای جدید که مترجمان گاه هر دو آیه متشابه را یکسان ترجمه کرده اند و به زیادت حرف جر «من» در آیه توجه ای نکرده اند.

کلیدواژه ها: قرآن، معناشناسی، آیات متشابه لفظی، زیادت، ترجمه قرآن.

۱. پیشگفتار

بررسی آیات متشابه لفظی برای دست‌یابی به اعجاز قرآن امری سودمند است؛ زیرا اسلوب قرآن و ظرافت آن به‌گونه‌ای است که دیگران از رعایت این‌گونه دقت‌ها در کلام و سخن در زبان عربی ناتوان هستند. با بررسی این آیات، توهم برخی از کج‌اندیشان که حقانیت قرآن را انکار می‌کردند، برطرف می‌شود؛ زیرا تکرار، زمانی ناپسند است که در معنا هیچ تغییری ایجاد نکند؛ ولی با بررسی علت اختلاف در آیات متشابه به حکمت این اختلاف‌ها دست می‌یابیم و بررسی این آیات به حافظان قرآن کریم برای حفظ دقیق‌تر و بهتر کمک می‌کند تا بتوانند هر آیه را به‌صورت صحیح و بدون اشتباه با دیگری به‌خوبی در ذهن خود ثبت کنند.

پژوهش حاضر برآن است تا با بررسی معنا و ترجمهٔ زیادت در این دو آیهٔ متشابه لفظی (۲۳ بقره و ۳۸ یونس) به نکات تفسیری و حکمت زیادت در این آیات دست یابد؛ بی‌شک قرآن برای بیان مقاصد خود زیباترین الفاظ را به کار گرفته است و این آیات متشابه بی‌حکمت نازل نشده‌اند و گزینش چنین الفاظی برای همگان میسر نیست و در ترجمه لازم است که مترجم نکات معنایی این آیات را دریافته و در کلام خود منعکس کند. در این پژوهش ترجمه‌های مکارم شیرازی، دهلوی، خرمدل و الهی قمشه‌ای بررسی شده‌اند و معیار انتخاب ترجمهٔ مترجمان، روش متفاوت آنها از یکدیگر است. این پژوهش قصد دارد با در نظر گرفتن اصل تعیین‌پذیری در معناشناسی قرآن، آیات را با استفاده از منابع تفسیری و لغوی تحلیل کند و به دنبال این است که به پرسش‌های زیر پاسخ دهد.

پرسش‌های پژوهش

۱- چگونه زیادت در آیات متشابه، نکات معنایی و تفسیری ایجاد می‌کند؟

۲- مترجمان قرآن کریم به زیادت آیات چگونه توجه نموده‌اند؟

۳- بررسی زیادت در آیات متشابه چه کمکی به مخاطب قرآن می‌کند؟

فرضیه‌های پژوهش

۱- زیاد شدن یک کلمه یا یک حرف در ساختار کلام، معنای جدیدی را اضافه می‌کند و اگر زیادتی در آیات متشابه قرآن کریم وجود دارد، حتماً حاوی نکتهٔ معنایی یا تفسیری خواهد بود.

۲- برخی از مترجمان در انتخاب معنای واژگان و حروف در ترجمهٔ فارسی آیات متشابه دچار لغزش شده‌اند و همین سبب ترجمه‌های مشابهی برای آیات متشابه شده است و این امر کاستی ترجمه را در پی داشته است؛ حال آنکه برخی از مترجمان نکات معنایی این آیات را دریافته‌اند.

۳- توجه به این آیات نقش مهمی در فهم دقیق معنای قرآن ایفا می‌کند و همچنین زمینه را برای حفظ بهتر آیات فراهم می‌کند و معنای دقیق‌تری را به مخاطب القا می‌کند و مخاطب ظرافت‌های بیانی قرآن را بهتر درک می‌کند و همین امر نشان‌دهندهٔ اعجاز قرآن برای مخاطبان می‌شود.

پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌های متعددی در قالب کتاب، پایان‌نامه و مقاله در موضوع آیات متشابه قرآن، به رشته تحریر در آمده است. اکنون برای آنکه جنبه نو بودن کار پژوهشگر مشخص گردد به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

کتاب‌ها: آثاری که درباره آیات متشابه لفظی نگاشته شده، به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول کتاب‌هایی که فقط به جمع‌آوری و شمارش آیات متشابه لفظی پرداخته‌اند. نویسندگان این کتب قاریانی بودند که برای حفظ دقیق‌تر، آیات شبیه به هم را از سایر آیات جدا کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱- کتاب نافع بن عبدالرحمن یکی از قراء سبعة (قراء سبعة گروهی بودند که در امر قرائت قرآن، مرجع و از سایر قراء شناخته‌شده‌تر بودند).

۲- متشابه القرآن از ابوالحسن علی بن حمزه کسایی یکی دیگر از قراء سبعة، به تحقیق محمد داود در انتشارات دارالمنار به چاپ رسیده و در کتابخانه مرکز فرهنگ و معارف قم موجود است.

۳- هدایة الحیران فی متشابه الفاظ القرآن از احمد عبدالفتاح البزودی از انتشارات الطرفین که در طائف به چاپ رسیده است.

دسته دوم: کتاب‌ها و آثاری هستند که افزون بر شمارش آیات متشابه لفظی، به شرح و توضیح آنها پرداخته‌اند:

۱. «دُرَّةُ التَّنْزِيلِ وَ غُرَّةُ التَّأْوِيلِ» اثر ابو عبدالله خطیب اسکافی از انتشارات دانشگاه ام القری که سیاق را معیار خود قرار داده و بیشتر مواقع آیه‌ها را یک‌طرفه رها کرده و به بررسی همه آیه‌ها پرداخته است.

۲. «البرهان فی متشابه القرآن» از محمود بن حمزه کرمانی از انتشارات دارالوفاء، نام دیگر این کتاب (اسرار التکرار) است که به این نام شهرت بیشتری دارد. «ملاک تاویل» تالیف احمد بن ابراهیم بن الزبیر غرناطی، این کتاب در دو جلد نگارش یافته است و در چگونگی فهرست آیات از خطیب اسکافی پیروی می‌کند.

کتاب «حکمت تفاوت تعابیر در آیات مشابه قرآن کریم» تألیف زهره اهوراکی تنها کتاب فارسی است که در زمینه آیات متشابه لفظی نوشته شده است که در این کتاب بیشتر نظرات اشخاصی مثل اسکافی را ترجمه کرده و نویسنده این کتاب نظر جدیدی از خود ارائه نکرده است.

پایان‌نامه‌ها: در دانشگاه‌های ایران در این حوزه پژوهش‌هایی صورت پذیرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

- ندیر پور، لیلا، «بررسی نمونه‌هایی از آیات مشابه از نظر اعجازشناختی قرآن کریم» دانشگاه پیام نور استان تهران (۱۳۹۲)؛ در این پژوهش ذیل نظریه اعجازشناختی با انطباق اصول زبان‌شناختی بر آیات متشابه برخی از آنها را با استفاده از جنبه‌های شباهت و تفاوت آنها تحلیل کرده است و حاصل کار این پایان‌نامه تکیه بر جنبه تفاوت آیات با استفاده از تمهیدات زبان‌شناختی و پیشبرد تفسیر آیات بوده است.

- سبحانی، مریم، «بررسی و تبیین معانی حروف در آیات مشابه در هفت جزء اول» دانشکده علوم قرآنی قم (۱۳۹۲)؛ در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی اختلاف در حروف در آیات متشابه لفظی هفت جزء قرآن پرداخته شده است.

- احمدپور بیرانوند، مریم، « بررسی ادبی و محتوایی آیات مشابه با تأکید بر تفسیر المیزان و کشف» دانشگاه اراک (۱۳۹۶)؛ در این پایان‌نامه در ابتدا اختلاف در آیات مشابه دسته‌بندی گردیده و سپس از هر دسته نمونه‌هایی ذکر و علت اختلاف الفاظ با یکدیگر مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده تمام اقسام آیات مشابه را گاه با ذکر یک نمونه در پایان‌نامه گنجانده است.

- کرمی، همدم « نقد و بررسی ترجمه آیات مشابه در ترجمه بهرام پور، صلواتی، مصباح زاده و آیت الهی» دانشگاه اراک (۱۳۹۶)؛ در این پژوهش هدف آن دسته از آیاتی است که در تعبیر اختلاف دارند و با روش تحلیلی - تطبیقی ابتدا با استفاده از قواعد واژه‌شناسی به روابط معنایی واژگان دست یافته است؛ سپس با در نظر گرفتن دو اصل « اصالت تعبیر و تعیین پذیری» به اطلاعات پردازش شده توسط قرآن در سیاق روی آورده است؛ سپس نتیجه این ژرف‌کاری را با معادل‌های برگزیده در انواع روش ترجمه مترجمان بهرام پور، صلواتی، مصباح‌زاده و آیت الهی تطبیق داده است. شباهت پژوهش حاضر با این پیشینه در بررسی آیات مشابه است؛ لکن پژوهش حاضر به زیادت در آیات مشابه پرداخته است؛ در حالی که این پیشینه به مبحث زیادت پرداخته است و همچنین مترجمان انتخاب شده متفاوت هستند.

- پایان‌نامه خانم ندیر پور، « بررسی نمونه‌هایی از آیات مشابه براساس مباحث زبان‌شناسی است». نویسنده به یازده قسم از آیات مشابه پرداخته است و در بعضی اقسام به بررسی یک نمونه اکتفا کرده است.

مقاله‌ها: از جمله مقالاتی که در زمینه آیات مشابه لفظی به رشته تحریر درآمده است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: « بازخوانی نقش حروف جر در آیات مشابه لفظی با رویکرد معناشناسی شناختی» از ولی‌الله حسومی و مریم توکل‌نیا. در این مقاله نقد و بررسی تطبیقی کاربرد شناختی حروف جر در آیات شبیه به هم را مورد مطالعه قرار داده و با تکیه بر شواهد قرآنی چند حوزه از اختلاف‌های موجود در معنای آیات مشابه را که در ساختار حروف جر نمایان است، بررسی کرده است.

- « بررسی ترجمه آیات مشابه لفظی در هفت ترجمه فارسی قرآن کریم» از مرتضی عرب و رضا فرشچیان، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۹۱. در این مقاله به بررسی هفت ترجمه فارسی آیتی، دهلوی، جمعی، فولادوند، مجتبی، مشکینی و مکارم شیرازی در ترجمه آیات مشابه لفظی پرداخته است و این ترجمه‌ها را در چند حوزه از اختلاف‌های آیات مشابه بررسی کرده است.

- « پژوهشی درباره آیات مشابه لفظی قرآن کریم» از بی بی زینب حسینی. در این مقاله به بررسی وجوه اختلاف در آیات مشابه لفظی پرداخته شده، سپس به بررسی راهکارهای قرآن‌پژوهان در توجیه این تفاوت‌ها پرداخته است.

تفاوت این پژوهش با مقاله‌های ذکر شده این است که: معیار پژوهش آنان معناشناسی نبوده است. علاوه بر آن، به بررسی کلی انواع آیات مشابه لفظی پرداخته‌اند. ولی این پژوهش به بررسی یکی از انواع آیات مشابه لفظی که حذف و زیادت می‌باشد، پرداخته است.

۲. معناشناسی

بررسی ارتباط میان واژه و معنا را معناشناسی می‌گویند. این علم بر رابطه بین لغات، عبارات، علائم و نشانه‌ها تمرکز دارد. در زبان‌شناسی، معناشناسی زیرشاخه‌ای است که به بررسی معنا در سطوح واژگان، عبارات و جملات می‌پردازد و بخش اصلی مطالعه

معناشناسی علائم بین واحدهای مختلف زبان‌شناسی از جمله متشابه، مترادف، متضاد، تعدد معانی، معانی بیشتر، کنایه، هم‌معنا و ... می‌باشد.

« معنا » بر وزن مفعول مصدر میمی از « عنی » است. « عنی » به معنای اراده کردن، قصد کردن، در نظر داشتن و چیزی را منظور داشتن است، و « معنا » به معنای مدلول، مفهوم، مضمون، مفاد، محتوا و مقصود است و « معنی الکلام » یعنی مقصود و مضمون سخن. (ر.ک: طیب حسینی، ۱۳۸۹: ۱۷)

یکی از مهم‌ترین شاخه‌های زبان‌شناسی، بحث معناشناسی است. در زبان انگلیسی، معناشناسی نام‌های متعددی دارد که مشهورترین آن واژه Semantics است. اما در زبان عربی برخی آن را « علم الدلالة » و برخی « علم المعنی » می‌نامند؛ برخی هم آن را سیمانتیک می‌گویند که برگرفته از واژه انگلیسی یا فرانسوی است. معناشناسی را چنین تعریف کرده‌اند: « بررسی معنا »، « دانشی که به بررسی معنا می‌پردازد »، « شاخه‌ای از دانش زبان‌شناسی است که به نظریه معنا می‌پردازد » یا « شاخه‌ای که به بررسی شرایط لازم در رمز می‌پردازد تا قادر بر حمل معنا باشد. » (ر.ک: عمر، ۱۹۸۸م: ۱۹) « معناشناسی علمی است که درباره معانی واژگان، انواع و ریشه‌های آن، رابطه میان لفظ و معنا، تحول معنایی، جلوه‌ها و علت‌های آن و قوانین و قواعد تابع آن بحث می‌کند. » (حامد صالح، بی تا: ۲۹)

۳. تعریف لغوی واژه متشابه

متشابه در لغت، اسم فاعل و مشتق از مصدر « تشابه » است که به معنی ه‌شکل و متمائل نیز آمده است. وقتی گفته می‌شود: « تشابه الشیء » مراد آن است که میان دو چیز (یا چند چیز) شباهت و همگونی رنگی و وصفی رخ داده است. گاهی نیز گفته می‌شود: « اشتبهت الأمور » که منظور آن است که چند چیز با چند امر با هم اشتباه شده است. (ر.ک: ابن فارس، ۱۴۹۵ق: ۲۴۳)

متشابه در اصطلاح علوم قرآنی، لفظی است که وجوه متعددی از معانی و مفاهیم را دربردارد و مورد شک و شبهه است و از این رو، همان‌طور که می‌توان آن را به وجهی صحیح تأویل کرد، به وجهی نادرست نیز قابل تأویل است. (ر.ک: معرفت، ۱۴۲۸ق: ۱۴-۱۳) آیات مشابه، آیاتی هستند که در قرآن تکرار شده و در الفاظ متفق‌اند؛ اما بین دو آیه یا آیات اختلاف در زیادت و نقصان، تقدیم و تأخیر، تبدیل حرفی به حرف دیگر یا غیر از آن وجود دارد. (ر.ک: کرمانی، ۱۹۹۸م: ۸-۹۷)

به‌طور کلی متشابه دو نوع است: متشابه معنوی و متشابه لفظی. منظور از متشابه معنوی، تشابه در معناست که این‌گونه آیات متشابه در برابر محکم قرار می‌گیرند و منظور از متشابه لفظی، تشابه در لفظ است.

متشابه لفظی آیاتی نیستند که در برابر آیات محکم ذکر شوند، بلکه الفاظ آنها متشابه است. (سبزواری، ۱۳۷۹: ۱۷۸) مشابهت در آیات قرآن از سه جهت قابل بررسی است: ۱. گاه مفهوم واحدی در سوره‌ها و آیات مختلف آمده است. مسائلی درباره توحید، نبوت، معاد، بهشت و جهنم، نماز، روزه، زکات و ...، ۲. گاه بعضی آیات در الفاظ و تعابیر شبیه هستند؛ بدون اینکه اختلافی در میان آنان باشد؛ مانند آیه: « فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ » (الرحمن/ ۵۵) که در این سوره سی و یک بار تکرار شده است. ۳. گاه آیاتی در بیشتر الفاظ و تعابیر مشابه‌اند، ولی در ساختار با یکدیگر تفاوت دارند؛ مانند آیه: « هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ » (اعراف/ ۱۸۹)، « وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ » (انعام/ ۹۸)

آنچه در این پژوهش مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت، دو آیه متشابه هستند که موضوعی را با الفاظ و تعابیر مشابه بیان کرده‌اند؛ اما در عین حال با تفاوت‌هایی در ساختار همراه‌اند و سایر متشابهات قرآنی مانند: آیات تکراری، آیاتی که در الفاظ متفاوت اما در مفاهیم یکسان‌اند، از این پژوهش خارج می‌شوند.

۴. زیادت حرف

هر کس که ادعا کند در قرآن زیادت بیهوده رخ داده وقتی که به عمق متن قرآن و بلاغت آن پی ببرد به این نتیجه می‌رسد که منزلت و متن کلام قرآن از سطح کلام عرب بالاتر است و عرب عاجز است از اینکه مثل قرآن را بیاورند؛ پس هر زیادتی که در این کتاب هست برای آن معنی و دلیلی وجود دارد و راز بلاغی در آن نهفته است که هر کسی آن را نمی‌فهمد مگر به وسیله علم لغت و نحو عربی. زیادت حرفی که اکثر علمای عربی و اصحاب کتب حروف و مفسران ذکر کرده‌اند عبارت است از: اِن، اُن، ما، مِ، الباء و اللام به این معنی که در بعضی موارد زائد می‌آیند. (ر.ک: تبعه، ۲۰۰۳م: ۱۰۵)

زیادت حرفی که در آیات قرآن دیده می‌شود باید برای بیان علت زیادت آنها به سیاق آیات توجه کرد و از جمله معانی این حروف عبارت است از:

۱. مفید برای تأکید عموم یعنی معنای جمله را تأکید می‌کند مثل آیه: « لیس کمثلہ شیء » که (کاف) در کمثلہ زائد و برای تأکید است و بسیاری از علمای عربی و بلاغت و اصول زیادت کاف برای تأکید نفی در این آیه را اثبات کرده‌اند. ۲. تنصیص بر عموم جمله ۳. تأکید برای دفع توهم اراده جمع ۴. تأکید اثبات ۵. تأکید نفی (همان: ۱۰۶) زیادت حرف در قرآن عبارت است از:

هرگاه حرف جر باء بر سر کلمه (حسب) بیاید و این کلمه مبتدا باشد، در این صورت حرف جر «باء» زاید است؛ مانند: « بحسبک اُن تقوم»، بر سر خبر لیس و خبر «ما» شبیه به لیس: « لیس زید بقائم»، بر سر فاعل « کفی» نیز زائد است؛ مانند: « کَفَى بِاللّٰهِ شَهِيدًا » (نساء/ ۷۹) (ر.ک: مالقی، ۱۹۸۵م: ۲۶ - ۲۲۵)

« حرف جر باء بر سر فاعل "أفعل" صيغة تعجب زائد است؛ مانند: أحسن بزید.» (دسوقی، ۲۰۰۹م: ۱۵۱/۱)

لام زائد واقع می‌شود برای تأکید، (لام تقویه): این حرف در واقع حرف جر شبه اصلی یا «لام» زائد غیر محض است که برای تقویت عامل ضعیف خود به جمله افزوده می‌شود؛ مثل آیه: « هُدًى وَرَحْمَةً لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْهَبُونَ » (اعراف/ ۱۵۴)

من زائد واقع می‌شود و شروط زائد بودن عبارت است: الف. تقدم نفی یا نهی یا استفهام « ما لکم من إله غیره» (اعراف/ ۵۹)، « هل من خالق غیر الله» (فاطر/ ۳) ب. نکره بودن مجرورش. (ر.ک: مرادی، ۲۰۰۱م: ۳۱۷)

۵. بررسی معنایی آیه ۲۳ بقره و ۳۸ یونس

«وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/ ۲۳)

«أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ وَادْعُوا مَنِ اسْتِطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (یونس/ ۳۸)

مکارم شیرازی: و اگر درباره آنچه بر بنده خود [پیامبر] نازل کرده ایم شك و تردید دارید، (دست‌کم) یک سوره همانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فراخوانید اگر راست می‌گویید!

آیا آنها می‌گویند: «او قرآن را به دروغ به خدا نسبت داده است»؟! بگو: «اگر راست می‌گویید، یک سوره همانند آن بیاورید؛ و غیر از خدا، هر کس را می‌توانید (به یاری) طلبید!»

دهلوی: و اگر هستید در شبهه از آنچه فرود آوردیم بر بنده خود یعنی از قرآن پس بیارید یک سوره مانند آن و بخوانید مددکاران خود را به‌جز خدا اگر هستید راست‌گویان.

آیا می‌گویند بر بسته است آن را بگو پس بیارید سورتی مانند آن و بخوانید هر که را بتوانید به‌جز خدا اگر هستید راست‌گویان.

خرم‌دل: اگر درباره آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم، دچار شك و دودلی هستید، سوره‌ای همانند آن را بسازید (و ارائه دهید) و گواهان خود را به‌جز خدا (که بر صدق قرآن گواهی می‌دهد) فراخوانید.

بلکه آنان می‌گویند که (محمد قرآن را خود ساخته و پرداخته است) و او آن را به دروغ به خدا نسبت داده است.

الهی قمشه‌ای: و اگر شما را شکی است در قرآنی که بر بنده خود (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) فرستادیم، پس بیاورید یک سوره مانند آن، و گواهان خود را بخوانید به‌جز خدا، اگر راست می‌گویید.

بلکه کافران می‌گویند قرآن را (محمد) خود بافته است. بگو: اگر راست می‌گویید شما خود و هم از هر کس نیز می‌توانید کمک بطلبید و یک سوره مانند آن بیاورید.

موضوع آیات: موضوع هر دو آیه معجزه جاویدان قرآن است به این ترتیب قرآن همه منکران را دعوت می‌کند که اگر معتقدید این آیات از طرف خدا نیست همانند آن یا لا اقل همانند یک سوره آن را بیاورید تا عجز آنها دلیلی روشن بر اصالت این کتاب آسمانی باشد. در آیه‌ای معجزه قرآن، با زیادت حرف من آمده و در آیه‌ای دیگر، حرف من ذکر نشده است. حال پرسش‌ها این است:

۱- علت زیادت من چیست؟

۲- آیا این زیادت من در آیه معنای متفاوت‌تر از آیه دیگر دارد؟

۳- آیا زیادت تعابیر در ترجمه اثرگذار هست یا خیر؟

به‌منظور پاسخ به این پرسش‌ها نگارنده بر آن است تا با تحلیل سیاق هر آیه به علت و حکمت زیادت تعابیر در آیات دست یابد.

معادل فارسی من: «فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ» (البقره/ ۲۳)

«من» برای فصل و جداسازی و به معنی «از» می‌آید؛ مانند آیه: «وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ» (خداوند مفسدان را از مصلحان باز می‌شناسد) (البقره/ ۲۲۰) (ر.ک: قیم، ۱۳۸۱: ۱۰۵۴) راغب معتقد است «من» برای استغراق جنس در نفی و استفهام نیز به کار می‌رود؛ مانند: «فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ» (پس احدی از شما نمی‌توانست مانع شود و از آن حمایت کند) (الحاقه/ ۴۷)

و به معنای بدل هم واقع می‌شود؛ مانند: «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ» (ابراهیم/ ۳۷) (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۲۹) از جمله معانی که لويس معلوف برای «مِنْ» ذکر کرده، مِنْ تَعْلِيلِ اسْتِ؛ مانند آیه: «مِمَّا خَطِيئَاتِهِمْ أُعْرِقُوا» (همگی به دلیل گناهانشان غرق شدند) (نوح/ ۲۵) (ر.ک: معلوف، ۱۹۲۷: ۳۵/۲ - ۱۸۳۴)

یکی دیگر از معانی «مِنْ»، ابتدای غایت است که به دو صورت می‌آید: ۱. در مقابلش إلی باشد؛ مانند: «مَنْ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى» (الأَسْرَاءُ/ ۱) ۲. زمانی که «مِنْ» همراه فعل ذکر شود: (أَخَذْتُ مِنَ التَّابُوتِ) «مِنْ» به معنای تبعیض نیز واقع می‌شود و علامت آن، این است که بتوان به جای «مِنْ»، «بَعْضُ» گذاشت؛ مانند: «مَنْهُمْ مَنْ كَلَّمَ اللَّهَ» (از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت) (البقره/ ۲۵۳) «مِنْ» به معنی «عَلَى»؛ مانند آیه «وَنَصَرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ» (و او را در برابر جمعیتی که آیات ما را تکذیب کرده بودند، یاری نمودیم) (الأنبياء/ ۷۷) (ر.ک: جمیلی، ۲۰۰۵: ۱۸۳) زرکشی در کتاب «برهان علوم قرآن» گفته است: «مِنْ» برای بیان جنس است، برخی معتقدند حرف «مِنْ» از این معنا جدایی ندارد. این معنا از «مِنْ» عبارت است از آنکه چیزی را ذکر کنید که اجناسی متعدد در ذیل آن جای می‌گیرند، ولی مقصود تنها یکی از آنهاست، از این قبیل است که خداوند در قرآن فرمود: «فاجتنبوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ» (پس از پلیدی بتان بگریزید) (الحج/ ۳۰) (ر.ک: زرکشی، ۱۴۰۸: ۱۰/۳ - ۲۵۰۹) «مِنْ» برای تأکید عموم زانده واقع می‌شود؛ مانند: «ما جاءني من أحدٍ» (هیچ کس نیامد) (ر.ک: فیروز آبادی، ۱۴۱۲: ۳۸۷) «مِنْ» به معنای (باء)؛ مانند: (يَنْظُرُ الصَّديقُ إِلَى صَدِيقِهِ مِنْ عَيْنٍ مَلْنَهُ بِالْحَبِّ وَالْإِحْتِرَامِ) (آن دوست به رفیقش با نگاهی مملو از عشق و احترام می‌نگرد)، «مِنْ» به معنی قسم است که فقط بر اسم کریم (الله) وارد می‌شود؛ مانند: (مِنْ اللَّهِ لَا قَادِرٌ مِنَ الْأَعْدَاءِ) (ر.ک: بابستی، ۱۴۱۳: ۶۴ - ۱۰۶۱)

باتوجه به معانی که لغویان و نحویان برای مِنْ ذکر کردند و نظر مفسران که در ادامه به آن می‌پردازیم، «مِنْ» در آیه «فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ» دارای چهار معنا است: ۱. ابتدائیه؛ ۲. بیانیه (بیان جنس)؛ ۳. زائد؛ ۴. تبعیض.

سیاق آیه ۲۳ بقره

«فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ» (سوره‌ای مانند آن بیاورید.)

این آیه به بیان نبوت و حقانیت قرآن می‌پردازد و خطاب آیه به کافران و منافقان است و سیاق حاکم بر آیات قبل بر دلایل اثبات توحید بنا نهاده شده است؛ مانند آیه: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره/ ۲۱) «ای مردم، پروردگارتان را پرستید؛ همان کسی که شما و کسانی را که پیش از شما بوده اند آفریده است، باشد که تقوا پیشه گردید و از گرایش به کفر و نفاق پرهیزید.» آنگاه خداوند به ذکر قدرتش و آفرینش آسمان ها و زمین می‌پردازد: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره/ ۲۲)

سپس به بیان نبوت پیامبر و حقانیت قرآن می‌پردازد و می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (بقره/ ۲۳) یعنی اگر در آسمانی بودن قرآن که بر بنده شایسته خود فر فرستادیم شک و تردید دارید و احتمال می‌دهید که از طرف خود محمد باشد اگر راست می‌گویید، یک سوره مانند آن بیاورید و می‌توانید از همه دانشمندان و سخنوران در این کار کمک بگیرید آنگاه پس از آن که آنها نتوانستند سوره‌ای مانند قرآن بیاورند آنها را به آتش جهنم وعده

می‌دهد. کلمه (لَنْ تَفْعَلُوا) نیز در آیه ۲۴ بقره برای نفی ابدی است و دلالت می‌کند که حتی در آینده نخواهند توانست مانند قرآن را بیاورند و خود دلیل محکمی بر صحت نبوت پیامبر اسلام است. (ر.ک: طبرسی، ۱۴۲۷ق: ۱ / ۴ - ۹۲)

سامرایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «خداوند در این آیه بحث اعجاز قرآن را مطرح می‌کند و شدت تحذیر و هشدار این آیه بیشتر از آیه ۳۸ یونس است؛ زیرا در آیه ۲۳ بقره واژه (رَبِّب) به کار برده شده است که از (افتراء) عام‌تر است و افتراء یکی از موارد شک و تردید است.» (سامرایی، ۲۰۰۸م: ۹ - ۸) ابن منظور در معنای واژه ربیب می‌نویسد: «الربیب والرَبِيبه به معنای شک، تهمت و گمان است.» (ابن منظور، ۱۴۱۴م: ۱ / ۴۴۲) راغب نیز معتقد است ربیب بر کم بودن یقین دلالت می‌کند؛ مانند آیه «لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (التوبه/ ۱۱۰). (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۳۶۹) ابوالسعود در تفسیر این آیه می‌نویسد: «این آیه در جهت اثبات معجزه بودن قرآن است و اینکه آیات قرآن پاک و منزّه از شک است و فاء در فأتوا از باب تعجیز آمده؛ مانند آیه: "فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ" (بقره/ ۲۵۸)». (ر.ک: عمادی، ۱۹۸۳م: ۱ / ۴ - ۶۳)

«خداوند در آیه ۲۳ بقره تحدی می‌کند، این مبارزه طلبی قرآن در سه مرحله صورت گرفته است و این آیه از سوره بقره مرحله سوم آن است.» (جعفری: ۱ / ۸۶) در بافت آیه توجه به چند نکته ضروری است: نخست اینکه: آیات قبل از این آیه درصدد اثبات توحید نازل شده‌اند و آیه ۲۳ بقره به بیان اثبات نبوت و حقانیت قرآن پرداخته است. دوم اینکه: این آیه از جمله آیات تحدی قرآن است که این مبارزه طلبی در سه مرحله صورت گرفته است؛ از جمله در آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ» (هود/ ۱۳) بعد از اینکه از کفار خواست ده تا سوره بیاورند در نهایت به یک سوره مثل آن دعوت کرد که این آیه از سوره بقره مرحله سوم آن است. سوم اینکه: با توجه به کلمه (رَبِّب) در سوره بقره، درجه هشدار و تحذیر در این آیه بیشتر از آیه ۳۸ یونس است.

آیه ۳۸ یونس

«قُلْ فَأْتُوا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهِ» (سوره‌ای مانند آن بیاورید)

سوره یونس نیز مانند بقره، به معجزه پیامبر اشاره دارد و خطاب آیه به کافران است. این آیه از سوره یونس اعجاز قرآن را بیان می‌کند و در جهت اثبات اصالت و درستی قرآن نازل شده است و در جواب کسانی که می‌گفتند قرآن افتراء و دروغ است خداوند آنها را به تحدی دعوت می‌کند که اگر می‌پندارید محمد قرآن را به دروغ به خود نسبت داده است یک آیه مانند آن بیاورید و عجز منافقان دلیلی است بر درستی این کتاب الهی که در فصاحت و بلاغت بی‌نظیر است. خداوند این تحدی را با زیادت من در آیه ۲۳ بقره متفاوت‌تر از آیه ۳۸ یونس بیان کرده که برای کشف این نحوه مفهوم‌سازی توجه به سیاق و بافتی که آیه در آن به کار رفته است مهم و مورد توجه است.

خداوند سبحان در آیه «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ»، «وَمَا كَانَ هَذَا الْقُرْآنُ أَنْ يُفْتَرَى مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (یونس/ ۷ - ۳۶) بر فساد و بطلان پرستش بت‌ها دلایل آورده و شبهات مشرکین را پیرامون رسالت یادآور شده است و برای رد کافران که گفتند: «پیغمبر این قرآن را ساخته است» این دو آیه را نازل کرده سپس با ذکر دلایل به یگانگی پروردگار عالمیان پرداخته است. آیه «أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا

بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ استفهامی است به معنی سرزنش؛ یعنی اگر گمان می‌کنید پیامبر این قرآن را ساخته و به خدا نسبت داده است مانند این قرآن را بیاورید و بدین ترتیب ناتوانی آنان را نشان می‌دهد. (ر.ک: صابونی، ۱۴۱۲م: ۱/۵۴۳)

طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «اگر می‌گویند که آن را به دروغ به خدا نسبت داده است بگو یک سوره همانند آن در بلاغت بیاورید زیرا شما اهل زبان هستید و اگر محمد قادر باشد که چنین سخن بگوید شما هم قدرت آن را خواهید داشت و چون از آوردن مانند آن عاجزید پس بدانید که این کلام بشر نیست و از جانب خدای سبحان نازل گردیده است.» (طبرسی، ۱۴۲۷ق: ۱۱/۲۹۷) «اینکه قرآن در این آیه و چند آیه دیگر منکران پیامبر اسلام (ص) را به مبارزه و معارضه می‌طلبد ناظر بر معانی بلند و معارف سازنده و اخبار غیبی و احکام استوار قرآن و نیز فصاحت و بلاغت آن است.» (جعفری، ۱۳۷۶: ۵/۸۴) ابوالسعود در تفسیر آیه می‌نویسد: «همزه در «أَمْ يَقُولُونَ» همزه انکار واقعیت است و «قُلْ» سرزنشی است برای آنها و نشان دادن عجز و ناتوانی‌شان و پندار اشتباهشان که اگر گمان می‌کنید قرآن دروغ است یک سوره مانند آن بیاورید در بلاغت و حسن صیاغ و قوت معانی.» (ابوالسعود، ۱۹۸۳م: ۴/۱۴۶)

آرای مفسران: تشابه آیه ۲۳ سوره بقره و ۳۸ یونس مورد توجه برخی از مفسران قرار گرفته است و به توضیح زیادت حرف من پرداخته‌اند. به زعم کرمانی زیادت حرف من در آیه ۲۳ بقره بر تبعیض دلالت می‌کند؛ یعنی دلالت بر بخشی از یک کل. (ر.ک: کرمانی، ۱۴۰۶ق: ۲۹) زرکشی نیز معتقد است: «سوره بقره جزء سوره‌های آغازین قرآن است (من) وارد شده تا نشان دهد این تحدی و هم‌آورد طلبی بر همه سوره‌های قرآن حکم فرماست، برخلاف دیگر سوره‌ها که اگر در آنها حرف من می‌آمد هم‌آورد طلبی تنها بر برخی از سوره‌ها صورت می‌پذیرفت.» (زرکشی، ۱۴۰۸ق: ۱/۱۵۱) طوسی (من) در آیه «فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِهِ» من تبعیض گرفته است و تقدیر آیه را این چنین بیان کرده است: «فَأْتُوا بِبَعْضٍ مَا هُوَ مِثْلٌ لَهُ وَ هُوَ سُورَةٌ» (طوسی، ۱۴۰۹ق: ۱/۱۰۳)

سامرائی در تفسیر این دو آیه دو مثال آورده است: معنی عبارت «اثنی بشیء من مثله» با عبارت «اثنی بشیء مثله» متفاوت است. و عبارت اولی به این معناست که برای این شیء مثل و ماندی وجود دارد، ولی عبارت دوم به این معناست که برای این شیء فرض و مثلی وجود ندارد. (ر.ک. سامرائی، ۲۰۰۸م: ۹-۸)

از آنجاکه در آیه ۲۳ بقره کافران در حقانیت قرآن شک دارند خداوند به آنها فرصت می‌دهد که با ناتوانی‌شان در آوردن مثل قرآن شکشان برطرف شود. به همین دلیل «من» در این آیه ذکر شده، ولی در آیه ۳۸ یونس کافران قرآن را دروغ می‌پندارند. ابن‌عاشور معتقد است که ضمیر هاء در «مِّن مِّثْلِهِ» جایز است به «ما نَزَّلْنَا» برگردد یعنی: (مثل قرآن) و نیز به عبدنا برمی‌گردد و اگر به «ما نَزَّلْنَا» برگردانیم، «من» در اینجا ابتدائیه است و جار و مجرور «مِّن مِّثْلِهِ» صفت برای سوره است و ممکن است «من»، «من» تبعیض یا بیانیه یا زائد باشد؛ یعنی (بعض مثل ما نزلنا) (ر.ک: ابن‌عاشور، ۱۴۲۰: ۱/۳۲۲). ابوالسعود «من» در آیه «مِّن مِّثْلِهِ» را من بیانیه و آن را جار و مجرور و متعلق به محذوف گرفته است و ضمیر هاء را به «ما نَزَّلْنَا» برگردانده؛ یعنی (بِسُورَةٍ كَاتِبَةٍ مِّن مِّثْلِهِ فِي عُلُوِّ الرُّتْبَةِ) و یا «من»، «من» تبعیض است و معنای آیه چنین است (فَأْتُوا بِبَعْضٍ مَا هُوَ مِثْلٌ لَهُ) (ر.ک. ابوالسعود، ۱۹۸۳م: ۱/۶۴) «من» در این آیه نزد اخفش زائد است یعنی (بِسُورَةٍ مِثَالَةٍ لِلْقُرْآنِ الْعَظِيمِ) یا به عبدنا برمی‌گردد و «من»، «من» ابتدائیه است؛ یعنی (بِسُورَةٍ كَاتِبَةٍ مِّمَّنْ هُوَ عَلَى حَالِهِ مِنْ كَوْنِهِ بَشَرًا أَمِيًّا لَمْ يقرأَ الْكِتَابَ) (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۱/۵۷) هاء در مثله دو تأویل

برایش وجود دارد: ۱. باتوجه به نظر قتاده و مقاتل من زائد است. ۲. ابوعبیده و زجاج هم معتقدند که من، من ابتدای غایت است یعنی (فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثْلِ هَذَا الْعَبْدِ الْأُمِّيِّ) (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۲۲ق: ۱/ ۴۴)

طبرسی برای «من» سه معنا در نظر گرفته است: ۱. «من» بیان جنس و (من مثله) متعلق به سوره و صفت برای آن است و ضمیر هاء در (مثله) به (ما نزلنا) برمی‌گردد. ۲. هاء به قرآن بر می‌گردد و «من»، «من» تبعیض است. ۳. ضمیر هاء به پیامبر برمی‌گردد و «من»، «من» ابتدای غایت است. (طبرسی، ۱۴۲۷ق: ۱/ ۴۷)

آلوسی معتقد است که «من مثله» یا ظرف مستقر است و صفت برای سوره و «من»، «من» بیانیه است یا «من» تبعیض است. (ر.ک: بغدادی، ۱۴۰۸ق: ۱/ ۹۳ - ۱۹۲) بدون تردید ضمیر هاء در (من مثله) به قرآن برمی‌گردد و به قرینه آیات تحدی قرآن همه مردم و از جمله دانشمندان و متفکران و خلاصه جن و انس را به مبارزه طلبیده است و اگر ضمیر به پیامبر برگردد دانشمندان و درس-خوانده‌ها از این تحدی بیرون می‌روند. دیگر اینکه در سایر آیات تحدی کلمه «مثل» یا «مثله» بدون حرف «من» آمده و بدون شک منظور از آن مثل قرآن است و به قرینه آن آیات در اینجا نیز منظور از «من مثله»، مثل قرآن است. (ر.ک: جعفری، ۱۳۷۶: ۱/ ۸۷)

باتوجه به معانی که مفسران برای حرف «من» ذکر کردند، «من» در این آیه به چهار وجه است:

اگر ضمیر هاء در «مَنْ مَّثَلَهُ» را به «عَبْدَنَا» برگردانیم «من»، «من» ابتدائیه است.

اگر ضمیر هاء را به «مَا نَزَّلْنَا» برگردانیم و «مَنْ مَّثَلَهُ» را صفت برای سوره قرار دهیم «من»، «من» بیانیه است.

اگر ضمیر هاء را به قرآن برگردانیم «من»، «من» تبعیض است.

باتوجه به نظر نحویان مثل قتاده و مجاهد «من» زائد و برای تأکید می‌آید و ضمیر هاء به قرآن برمی‌گردد.

باتوجه به معانی که برای «من» ذکر شد، حال به بررسی ترجمه آیات می‌پردازیم:

«من» تبعیض: معنای آیه: اگر شما تردید دارید در اینکه قرآن از سوی خدا نازل شده است همانند بخشی از آن را بیاورید. (فَأَتُوا بِبَعْضِ مَا هُوَ مِثْلُ لَهٗ).

«من» زائد: معنای آیه را تغییر نمی‌دهد و برای تأکید می‌آید (فَأَتُوا بِسُورَةٍ مِّثْلِهِ).

«من» ابتدائیه: معنای آیه: بیاورید سوره‌ای را مثل آنچه که محمد آورد (بِسُورَةٍ كَاتِبَةٍ مِّن مِّثْلِهِ فِي عُلُوِّ الرُّتْبَةِ).

«من» بیانیه: معنای آیه: بیاورید مثل آنچه که نازل شد بر شما در بلاغت و حسن نظم (بِسُورَةٍ كَاتِبَةٍ مِّن مِّثْلِهِ فِي عُلُوِّ الرُّتْبَةِ).

مترجمان در ترجمه حرف «من» به ترتیب: «یک سوره همانند آن» (مکارم شیرازی)، «یک سوره»، «سورتی» (دهلوی)، «سوره‌ای همانند آن» (خرمدل)، «یک سوره مانند آن» (الهی قمشه‌ای) و باتوجه به این معانی «من» را «من» تبعیض گرفته‌اند و همگی هاء در «مثله» را به قرآن برگردانده‌اند؛ ولی هیچ‌کدام در ترجمه از واژه بعضی و برخی که معنای حرف «من» تبعیض است استفاده نکرده‌اند؛ بنابراین باتوجه به آنچه گذشت پیشنهاد نگارنده در معادل‌یابی حرف «من» چنین است:

« اگر شما تردید دارید در اینکه قرآن از سوی خدا نازل شده است، همانند بخشی از آن را بیاورید»

۶. نتیجه‌گیری

باتوجه به نظرات زبان‌شناسان و نحویان، حرف جر «من» ده معنا دارد. با اطلاعاتی که از بافت و سیاق آیات به دست آمد، هر دو آیه برای بیان معجزه بودن قرآن نازل شده است و خطاب هر دو آیه به مشرکان و کافران است با این تفاوت که در آیه ۲۳ بقره، کافران در صحت معجزه بودن قرآن شک دارند، ولی در آیه ۳۸ یونس آن را دروغ می‌پندارند. مفسران برای «من» در آیه ۲۳ بقره، ۴ معنا ذکر کرده‌اند که عبارت است از: ابتدائیه، بیانیه، بعضیه و زائده. مرجع ضمیر هاء در «مثله» در هر دو آیه، قرآن است. اگر هاء به پیامبر برگردد معنای حرف «من» بیانیه یا ابتدائیه می‌شود و دانشمندان و درس‌خوانده‌ها از این تحدی بیرون می‌روند، حال آنکه قرآن همه مردم و جن و انس را به مبارزه طلبیده است؛ بنابراین حرف «من» در آیه ۲۳ بقره، معنای تبعیض دارد و از آنجاکه سوره بقره جزء سوره‌های آغازین قرآن است «من» در این آیه ذکر شده است تا نشان دهد این تحدی و هم‌آوردطلبی بر همه آیه‌های قرآن کریم حکم فرماست. باتوجه به نظر سامرائی که ذکر شد، «من مثله» با «مثله» متفاوت است و ذکر «من» به این معناست که برای آن مثالی بیاورید، در آیه ۲۳ بقره، کافران در حقانیت قرآن شک دارند به همین دلیل خداوند به آنها فرصت می‌دهد که با ناتوانی‌شان در آوردن مثل قرآن شکشان برطرف شود به همین دلیل حرف «من» در آیه بقره ذکر شده است؛ ولی در سوره یونس، کافران قرآن را دروغ می‌پندارند و دیگر نیازی به ذکر حرف «من» نیست.

منابع

قرآن کریم

- ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲ق)، زادالمسیر فی علم التفسیر، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العربی.
- ابن فارس، احمد، (۱۴۰۵ق)، معجم مقایس اللغة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۰۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالإحياء للتراث العربی.
- ابوالسعود، محمد بن محمد، (۱۹۸۳م)، إرشاد العقل السليم إلى مزايا القرآن الكريم، چاپ اول، بیروت: دارالإحياء للتراث العربی.
- بابستی، فوال، (۱۴۱۳ق)، المعجم المفصل فی النحو العربی، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر، (۱۴۱۸ق)، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، چاپ اول، بیروت: دارالإحياء للتراث العربی.
- جعفری، یعقوب، (۱۳۷۶)، تفسیر کوثر، چاپ اول، قم: انتشارات هجرت.
- جمیلی، سید، (۲۰۰۵م)، معجم حروف المعانی، قاهره: مکتبه الآداب.
- زرکشی، بدرالدین محمد بن عبدالله، (۱۳۹۲)، جامع علوم قرآن، ترجمه حسین صابری، مهران: نشرکتبه.
- سامرائی، فاضل صالح، (۲۰۰۸م)، الأسئلة البیانیه فی القرآن الکریم، قاهره: مکتب تابعین.
- سبزواری، محمد، (۱۴۱۹م)، ارشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- صابونی، محمد علی، (۱۴۱۲ق)، صفوة التفاسیر، چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- صالح، حسین حامد، (۱۳۹۰)، تأویل واژگانی قرآن (تحلیل معناشناسی)، ترجمه ابوالفضل سجادی و محمود میرزایی حسینی، اراک: دانشگاه اراک.
- طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۳۸۷)، تفسیر جوامع الجامع، ترجمه احمد امیری شادمهری، چاپ هفتم، مشهد: بنیاد پژوهش-های اسلامی.
- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن، (۱۴۰۹ق)، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- عمر، احمد مختار، (۱۳۸۶)، علم الدلالة (معناشناسی)، ترجمه حسین سیدی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- فارس، احمد، (۱۴۰۵ق)، معجم مقایس اللغة، دفتر: دفتر انتشارات اسلامی.
- کرمانی، محمود بن حمزه، (۱۹۸۸م)، البرهان فی متشابه القرآن، چاپ دوم، منصوره: دارالوفاء.

كرمانى، محمد بن نصر، (١٤٠٦ق)، برهان فى توجيه متشابه القرآن، بيروت: دارالكتب العلميه.

مالقى، احمد بن عبد النور، (١٩٨٥م)، وصف لمباني فى شرح حروف المعاني، تحقيق احمد محمد خراط، چاپ دوم، دمشق: دارالقلم.

مرادى، حسن بن قاسم، (٢٠٠١م)، الجنى الدانى فى حروف المعاني، تحقيق فخر الدين قباوه و محمد نديم فاضل، چاپ دوم، حلب: مكتب عربييه.

مطعنى، عبد العظيم ابراهيم محمد، (١٣٨٨)، ويژگى هاى بلاغى بيان قرآن، ترجمه حسن سيدى، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.

معرفت، محمد هادى، (١٣٧٤)، التمهيد فى علوم القرآن، ترجمه ابو محمد وكيل، قم: سازمان تبليغات اسلامى.